



دختر

دختر دو معنا دارد یکی به معنای فرزند مونث است که در مقابل پسر می باشد و دیگری به معنای دوشیزه و باکره است

فهرست مندرجات

- ۱ - معانی اصطلاحی دختر
- ۲ - موارد کاربرد واژه دختر در ابواب فقه
- ۳ - احکام
 - ۳.۱ - دختر از محارم نسبی است
 - ۳.۲ - عدم وجوب قضاى نماز و روزه والدین بر دختر
 - ۳.۳ - عدم مالکیت انسان بر دختر خود
 - ۳.۴ - استحباب نهادن نام فاطمه بر دختران
 - ۳.۵ - استحباب ختنه دختر
 - ۳.۶ - ازدواج با مادر دختر موجب حرمت ازدواج با ریبیه
 - ۳.۷ - کراهت ازدواج با دختر قابله خود
 - ۳.۸ - حضانت دختر تا هفت سالگی با مادر است
 - ۳.۹ - دختر و مساله ارث
- ۴ - موارد کاربرد معنای دوم دختر در فقه
- ۵ - جواز و عدم جواز غسل دادن دختر بچه توسط نامحرم
- ۶ - ادرار دختر بچه شیر خوار
- ۷ - بلوغ دختر
- ۸ - نشانه های رشد دختر
- ۹ - بوسیدن دختر بچه شش ساله توسط نامحرم
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منبع

معانی اصطلاحی دختر

دختر یعنی **فرزند انث**، که مقابل **پسر** و **انسان مؤنث** که مقابل **مذکر** است یا **دوشیزه** و **باکره**.

موارد کاربرد واژه دختر در ابواب فقه

از دختر به معنای نخست در بابهای **صلات**، **جهاد**، **نکاح** و **ارث** سخن گفته‌اند. و از دختر به معنای دوم در باب **طهارت**، **حجر** و **نکاح** سخن گفته‌اند.

احکام

← دختر از محارم نسبی است

دختر از محارم نسبی است [۱].

← عدم وجوب قضاى نماز و روزه والدین بر دختر

بنابر قول مشهور، نماز و روزه قضاى پدر و مادر بر دختر واجب نیست، هرچند **فرزند ارشد** باشد و **میت** پسری نداشته باشد. [۲] [۳]

← عدم مالکیت انسان بر دختر خود

انسان مالک دختر خود نمی‌شود؛ از این رو، نمی‌تواند او را به **بردگی** بگیرد و به محض **خریدن** وی، به طور قهری **آزاد** می‌شود [۴]

← استحباب نهادن نام فاطمه بر دختران

نهادن نام **زنان صالح**- با ترجیح نام «فاطمه» بر دیگر نامها- بر **نوزاد** دختر بر ولیّ او **مستحب** است [۵]

← استحباب ختنه دختر

چنان که **ختنه** دختر بویزه در هفت سالگی بر ولیّ او **مستحب** می‌باشد [۶]

← ازدواج با مادر دختر موجب حرمت ازدواج با ریبیه

ازدواج و آمیزش با زنی موجب **حرام شدن** دختر زن بر مرد می‌شود [۷]

← کراهت ازدواج با دختر قابله خود

ازدواج شخص با دختر **قابله** خود بنا بر مشهور **مکروه** است. [۸]

← حضانت دختر تا هفت سالگی با مادر است

بنا بر مشهور، **حضانت** دختر تا **هفت سالگی** با **مادر** است و **پدر حق** جلوگیری و مخالفت ندارد [۹]

← دختر و مساله ارث

دختر از **طبقه اوّل ارث** به شمار می‌رود و **سهم** او **نصف سهم پسر** است؛ البته اگر **میت** در **طبقه اوّل** وارثی جز دختر نداشته باشد، تمامی ارث به او می‌رسد [۱۰]

موارد کاربرد معنای دوم دختر در فقه

از دختر به معنای دوم در باب **طهارت**، **حجر** و **نکاح** سخن گفته‌اند.

جواز و عدم جواز غسل دادن دختر بچه توسط نامحرم

بنا بر **قول مشهور**، **مرد نامحرم** می‌تواند بدن دختر **بچه** مرده‌ای را که بیش از سه سال ندارد، بدون **لباس غسل** دهد. [۱۱] [۱۲] [۱۳]
برخی **قدما جواز** آن را مقید به عدم وجود **هم جنس** [۱۴] و برخی دیگر به عدم وجود **محرم کرده‌اند**. [۱۵] برخی **قدما غسل دادن** دختر بچه کمتر از پنج سال را نیز **جایز** دانسته‌اند. [۱۶] برخی معاصران گفته‌اند: مرد می‌تواند دختر بچه غیر ممیز را غسل دهد. [۱۷]

ادرار دختر بچه شیر خوار

ادرار دختر بچه **شیرخوار** بنا بر مشهور در صورت **ملاقات** با لباس، همچون **ادرار** انسان بالغ باید آب کشیده شود و **غساله** آن با فشردن خارج گردد؛ برخلاف **ادرار پسر بچه شیرخوار** که صرف **آب ریختن** روی آن کفایت می‌کند و نیازی به فشردن و اخراج **غساله** ندارد. [۱۸] [۱۹]

بلوغ دختر

بنا بر قول مشهور، دختر وقتی نه سال قمری‌اش تمام شد **بالغ** می‌گردد، مگر آنکه دیگر نشانه‌های **بلوغ**، از قبیل **روییدن** موی درشت بر **شرمگاه**، قبل از آن تحقق یافته باشد [۲۰]

نشانه های رشد دختر

حفظ مال از تذبذب و اسراف و روی آوردن به کارهایی از قبیل **یافتندگی** و **تولید** و غیر آن از فعالیت‌های مناسب **زنان**، از نشانه‌های **رشد** دختر است. از دیگر راه‌های **ثبوت رشد** وی، **شهادت دو مرد عادل** یا **چهار زن عادل** و یا یک مرد و دو زن عادل است [۲۱] [۲۲]

بوسیدن دختر بچه شش ساله توسط نامحرم

بوسیدن دختر بچه **شش ساله** و **نشان دادن** او بر **دامن** توسط نامحرم، بدون **شهوة** مکروه است. [۲۳]
برخی **معاصران** احتیاط واجب را در **ترک** آن دانسته‌اند. [۲۴] [۲۵] [۲۶]

۱. ↑ تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۲۶۲.
۲. ↑ جواهر الكلام، ج ۱۷، ص ۳۵-۴۰.
۳. ↑ مستمسك العروة، ج ۷، ص ۱۴۱.
۴. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۴، ص ۱۴۱.
۵. ↑ جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۲۵۴.
۶. ↑ جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۲۶۲.
۷. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۹، ص ۳۴۹.
۸. ↑ جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۴۸۴.
۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۲۹۱.
۱۰. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۹، ص ۱۱۲.
۱۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۴، ص ۷۰.
۱۲. ↑ جامع المدارك، ج ۱، ص ۱۶۴.
۱۳. ↑ مصباح الهدى، ج ۵، ص ۴۲۹-۴۴۱.
۱۴. ↑ المبسوط، ج ۱، ص ۱۷۴.
۱۵. ↑ المقنعة، ص ۸۹.
۱۶. ↑ المقنعة، ص ۶۲.
۱۷. ↑ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۳۲۰ م ۵۶۰.
۱۸. ↑ مدارك الاحكام ج ۲، ص ۳۲۲-۳۲۳.
۱۹. ↑ جواهر الكلام، ج ۶، ص ۱۶۴-۱۶۸.
۲۰. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۶، ص ۳۸.
۲۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۶، ص ۵۱.
۲۲. ↑ مسالك الافهام، ج ۴، ص ۱۵۱.
۲۳. ↑ جواهر الكلام ج ۲۹، ص ۸۲.
۲۴. ↑ مبانى العروة (النكاح)، ج ۱، ص ۹۰-۹۳.
۲۵. ↑ هداية العباد (كلياتگانی)، ج ۲، ص ۳۰۸.
۲۶. ↑ وسيلة النجاة، ص ۶۹۹.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام، ج ۳، ص ۵۸۷.

رده‌های این صفحه : احكام بانوان | فقه